

--Name of Journal-----

Vol(issue), PP.

.atu.ac.ir

DOI: 10.22054/TSSQ.2021.39969.658



ATU
PRESS

Original Research

Calcutta Habl al-Maiiss Approach to the State and the Iranian Constitution of 1906: With an Emphasis on the Period of Drafting the Constitutional Amendment

Mahdi Faraji *

Assistant Professor, Department of History, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Corresponding Author.

Behzad Ghasemi

Assistant Professor, Department of Islamic Revolution, Imam Hussein University, Tehran, Iran.

Abstract

Most critical discourses against the status quo in the Qajar period attacked the authoritarian regime and called for the transition from despotism to the rule of law. Eventually, the constitution became the main demand of critics, and the constitutional decree was issued. However, at the stage of drafting the constitutional amendment, constitutionalism faced a major challenge after being considered by clerical constitutionalists to be contrary to Sharia (Islamic law). Consequently, Habl al-Matin, which had been promoting constitutionalism with explanations based on customary law (orf) for some years, changed its position and promoted constitutionalism based on the idea of separating Sharia from custom (orf). Adopting a descriptive–explanatory method, this study examines the bases and purposes underlying Habl al-Matin’s attempt to explain and promote the idea. The findings show that after the constitution being considered contrary to Sharia, the journal organized its customary explanation of constitutionalism around the jurisprudential permission of the Islamic scholars of Najaf on the necessity of the separation of Sharia from custom during the Occultation, and as a way of linking the idea of the modern state with Sharia.

Keywords: Calcutta Habl al-Matin, Constitutional thought, Constitution, The Idea of Separation of Sharia from Custom

* Corresponding Author: (M.faraji@tabrizu.ac.ir)

** (Ghasemi.b1981@gmail.com)


Received: 01/27/2019


Accepted: 05/02/2019

ISSN: 2476-2806

eISSN: 2476-6828

رویکرد روزنامه‌ حبل‌المتین کلکته به مقوله دولت و قانون اساسی مشروطه؛ با تأکید بر دوره تدوین متمم قانون اساسی

مهدی فرجی *  استادیار تاریخ دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. نویسنده مسئول

بهزاد قاسمی **  استادیار انقلاب اسلامی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

چکیده

پس از شکل‌گیری گفتارهای انتقادی علیه وضع موجود در دوره قاجاریه، اکثر آنها حملات خود را متوجه نظام استبدادی نموده و خواهان گذار از استبداد به حکومت قانون شدند. در نهایت، مشروطیت به مطالبه اصلی منتقدین تبدیل و فرمان مشروطه صادر شد. لکن در مرحله تدوین متمم قانون اساسی، مشروطه از سوی مشروعه‌طلبان، مغایر با شرع تلقی و از این طریق با چالش بزرگی مواجه شد. حبل‌المتین که از سال‌ها قبل با تبییناتی عرفی مشروطه را ترویج می‌کرد، پس از بروز چالش مزبور، تغییر موضع داده و مشروطیت را بر اساس ایده تفکیک شرع از عرف ترویج می‌کند. پرسش اساسی مقاله این است که حبل‌المتین بر اساس چه مبنا و اهدافی، ایده مزبور را تبیین و ترویج می‌کرد؟ یافته‌های تحقیق بر اساس روش توصیفی - تبیینی نشان می‌دهد، پس از آنکه مشروطیت مغایر با شرع تلقی شد؛ این نشریه تبیین عرفی خود را از مشروطه بر اساس جواز فقهی علمای نجف، مبنی بر ضرورت تفکیک شرع از عرف در عصر غیبت ساماندهی کرده و بعنوان راهکاری برای پیوند زدن اندیشه دولت مدرن و شرع مطرح می‌کند. واژگان کلیدی: حبل‌المتین کلکته، اندیشه مشروطیت، قانون اساسی، ایده تفکیک شرع از عرف

* نویسنده مسئول (M.faraji@tabrizu.ac.ir)

** (Ghasemi.b1981@gmail.com)

طرح مسئله

حکومت قاجاریه پس از اینکه از مجرای جنگ‌های ایران و روس، به شکل جدی‌تری با دستاوردهای مادی تمدن جدید اروپایی آشنا شده و بواسطه شکست از روسیه بر اهمیت علوم و فنون جدید وقوف یافت، در چندین مرحله اقدام به نوسازی نمود. افزون بر این، افزایش ارتباطات و آگاهی از اندیشه‌ها و تحولات جدید غربی در نیمه دوم عهد ناصری، موجب شکل‌گیری اندیشه‌های انتقادی و گفتارهای منورالفکری با محوریت قانون‌خواهی در جامعه شد. سرانجام مبارزه علیه استبداد منجر به صدور فرمان مشروطیت و افتتاح مجلس شد. لکن در دوره مجلس اول و علی‌الخصوص در ایام تدوین متمم قانون اساسی، افزون بر نبرد سیاسی بین مشروطه‌خواهان و مستبدین، منازعه فکری و قلمی نیز بر سر ضرورت و مشروعیت مشروطه در گرفت. سرانجام محمدعلی شاه که ناراضی از محدود شدن اختیاراتش بود، با حمایت روسیه و در شرایطی که برخی از متشرعین با مشروطه و قانونگذاری مخالفت کرده و مشروطه را مغایر با شرع می‌دانستند و نیز بهانه‌هایی که خود مشروطه‌خواهان با افراط‌ورزی‌هایشان به جناح رقیب دادند، در تاریخ ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶، مجلس را به توپ بست و مشروطه تافتح تهران به تعلیق درآمد. افزون بر مبارزه‌ای که بر سر محدود و مقید نمودن اختیارات نهاد سلطنت، بین مستبدین و مشروطه‌خواهان وجود داشت، اختلاف و مبارزه حادث‌تر، اختلاف و مبارزه فکری بر سر مشروعیت شرعی نظام جدید بود. بدین معنی که برخی از علمای تهران، وضع قانون از طرف نمایندگان مجلس را بدعت و مغایر با شرع دانسته و خواهان «مشروطه مشروعه» شدند. از سوی دیگر عده‌ای از علمای شیعه به رهبری علمای ثلاث نجف، از نظام مشروطه حمایت کرده و دلایل شرعی و عقلی برای ضرورت استقرار آن اقامه کردند.

مطبوعات از جمله مراجعی بودند که سال‌ها قبل از صدور فرمان مشروطیت و ایام پرتلهاب مجلس اول، نقش پررنگی در بیداری مردم و ترویج اندیشه قانون‌خواهی و مشروطه‌طلبی داشتند. از میان مطبوعات مزبور، روزنامه حبل‌المتین کلکته نقشی بی‌بدیل در ترویج اندیشه دولت مدرن در قالب مشروطیت سلطنت ایفا نموده است. این روزنامه در درگیری مشروطه‌خواهان با جبهه استبداد، از جبهه مشروطه‌خواهان و در منازعه علمای شیعه بر سر مشروعیت مشروطه در راستای تحقق اندیشه دولت مدرن از علمای

مشروطه‌خواه نجف حمایت کرده و به انعکاس آرای فقهی آنها می‌پردازد و با ارائه دلایل نقلی و عقلی بر ضرورت استقرار مشروطه تأکید کرده و راهکارهایی برای قانونگذاری و تدوین قانون اساسی ارائه می‌کند. چگونگی و مبنای چرخش جبل‌المتین از رویکرد عرفی به رویکرد عرفی - شرعی در تبیین ضرورت استقرار مشروطیت و نیز راهکار این روزنامه برای قانونگذاری و تدوین قانون اساسی سازگار با شرع، مسئله این مقاله است.

تاکنون راهکار روزنامه جبل‌المتین کلکته در خصوص چگونگی قانونگذاری و تدوین قانون اساسی، در تحقیق مستقلی انجام نشده است. از بین تحقیقات صورت گرفته در خصوص اندیشه‌های روزنامه مزبور، سهیلا قنوتی در اثر خود با عنوان «روزنامه جبل‌المتین و اندیشه مشروطه‌خواهی»، در پی پاسخ‌دهی به این سوالات است که روزنامه جبل‌المتین کلکته در تحول فکری و بیداری جامعه ایران چه نقشی داشته است؟ دریافت این روزنامه از مقولات مدرنیته از قبیل قانون، آزادی، مساوات، ملت و مقولاتی از این دست چگونه است؟ و اینکه نسبت آموزه‌های شریعت اسلام با مفاهیم جدید غربی در دریافت جبل‌المتین به چه صورت است؟ (قنوتی، ۱۳۸۸: ۴). اثر مزبور در پی پاسخگویی به سوالات متفاوتی از سوال تحقیق حاضر است. دو مقاله «مفهوم و ارکان مشروطیت در روزنامه جبل‌المتین کلکته» (منصوربخت و فرجی، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۳۳) و «موضع فکری و عملکرد سیاسی روزنامه جبل‌المتین کلکته در منازعه مشروطه‌خواهی و مشروطه‌طلبی» (فرجی، ۱۳۹۶: ۳۵۷-۳۳۱)، علی‌رغم اینکه به تبیین دریافت جبل‌المتین از اندیشه و نظام مشروطیت پرداخته‌اند؛ لکن مسئله دو مقاله مزبور، راهکار روزنامه جبل‌المتین در خصوص قانونگذاری و چگونگی تدوین قانون اساسی نیست. این مقاله می‌کوشد بر اساس روش توصیفی - تبیینی، دریافت‌های عرفی این روزنامه از ضرورت استقرار مشروطیت و چگونگی تغییر آن به رویکرد و راهکار عرفی - شرعی را تبیین نماید و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که جبل‌المتین، راهکار تفکیک شرع از عرف را بر اساس چه مبنا و اهدافی تبیین می‌کند؟

جبل‌المتین و اندیشه نوسازی دولت در چارچوب سلطنت مشروطه

روزنامه جبل‌المتین کلکته به سردبیری سید جلال‌الدین حسینی معروف به مؤید الاسلام، در تاریخ ۱۳۱۱ق (۱۸۹۳م) با دغدغه ترقی ایران تأسیس شد. اندیشه مشروطیت و نوسازی

سیاسی از مهمترین اندیشه‌ها و راهکارهای نشریه مزبور برای ترقی ایران بود. حبل‌المتین در مقالات متعددی و از ابعاد مختلفی به نقد استبداد پرداخته و با بیان ویژگی‌های سلطنت مشروطه، به ترویج مشروطیت و تبیین ضرورت استقرار آن در ایران اقدام نموده است. در ادامه، نقد حبل‌المتین از نظام استبدادی و نیز استدلال‌ات این نشریه در ضرورت استقرار مشروطیت در ایران بر اساس مهمترین مقالات منتشره در این روزنامه تبیین می‌شود.

روزنامه حبل‌المتین در سر مقاله ۲۱ ذی‌القعدة ۱۳۲۴، به مناسبت امضای قانون اساسی توسط شاه و ولیعهد، برپایی مشروطیت و وضع قانون اساسی را موجد وضع جدیدی می‌داند که در آن وضع، مستبدین قدرت مانور نخواهند داشت و هر اقدامی در مملکت در سایه تأیید و نظارت مجلس شورای ملی خواهد بود. در ادامه ابراز می‌دارد در این وضع جدید، همه افراد مملکت در جایگاه یکسانی در برابر قانون قرار دارند (حبل‌المتین، ۲۱ ذی‌القعدة ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۲۱: ۲-۱)؛ دولت مشروطه از سوی پادشاه معرفی می‌شود و در مقابل مجلس، مسئول بوده و اختیارات پادشاه و ولیعهد محدود و معین است و مأموران دولت از دخل و تصرف‌های خودسرانه ممنوع می‌باشند (حبل‌المتین، ۲۱ ذی‌القعدة ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۲۱: ۳). قانون اساسی را شاه‌رگ مشروطیت و عامل حیات و تداوم آن دانسته و مجلس بدون قانون اساسی را همانند دارالشورای کبری عهد ناصری، ناکارآمد و تشریفاتی قلمداد می‌نماید (همان: ۲). در تشریح نهادمندی و خاصیت مشارکت‌پذیری مشروطیت به مقایسه آن با حکومت استبدادی پرداخته و می‌نویسد؛ کشوری که سلطنتش مشروطه باشد، هر قدر هم قلمرو آن خرد باشد، امکانی برای تجاوز اجانب وجود ندارد؛ چرا که رعایای این کشور خود را سهم در سلطنت دانسته و برای بقای سلطنت، ایستادگی می‌کنند. اما کشوری که قدرتمند لکن دولت آن استبدادی باشد، چون رعایا از دولت ناراضی هستند، در برابر تجاوز اجانب بی‌تفاوت شده و منتظر فرصتی خواهند بود تا از دولت و کارگزاران آن انتقام بکشند و حقوق خود را اعاده کنند، لذا چنین دولتی مضمحل و نابود می‌شود. اما سلطنت مشروطه مثل «کمپانی و شرکت» است که با کنار رفتن یک یا چند تن از شرکا، از بین نمی‌رود. زیرا دوام و بقای آن بسته به قوانین است. ولی سلطنت مستبدانه چون وابسته به شخص است؛ هر قدر هم منظم و قوی و شایسته باشد، به محض کنار رفتن آن شخص، همه چیز به هم خورده و از بین می‌رود (حبل‌المتین، ۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۳۵: ۵) و در نوشته دیگری نیز در

ارتباط با تغییر شیوه استبدادی و نتایج مثبت شریک نمودن مردم در قدرت می‌نویسد: دولتی که «مجسمه ملعونه استبداد» را کنار گذاشت و به ملت خود آگاهی داد و آنها را در خیر و شر مملکت شریک نمود و در انجام امور به رأی آنها مراجعه نمود و از این راه، ملت را با خود همراه ساخت مانند دولت انگلیس در دریا و خشکی فرمانروا خواهد بود (حبل‌المتین، ۱۰ صفر ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۹: ۱۲).

حبل‌المتین در مقالات متعددی یکی از مهمترین کارکردهای مشروطیت را تأمین حقوق مردم و محدود شدن قدرت عنوان می‌کند (حبل‌المتین، ۲۳ شوال ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۱۸: ۲؛ حبل‌المتین، ۵ جمادی الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۴۲: ۴؛ حبل‌المتین، ۳ رجب ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۴: ۳؛ حبل‌المتین، ۲۱ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۷: ۱۹). نشریه حبل‌المتین در مقالات متعددی به تشریح ویژگی‌های حکومت‌های شخصی و مستبد و نقد آنها پرداخته و به ترویج حکومت قانون و بویژه مشروطیت سلطنت می‌پردازد. در جایی متذکر می‌شود؛ در ممالکی که قدرت در دست یک شخص محصور است؛ کمتر دیده شده است که آن شخص در تصمیمات و اقدامات خود خیر ملت و مملکت را لحاظ نماید (حبل‌المتین، ۱۲ شوال ۱۳۲۰، س ۱۰، ش ۱۴: ۲۱-۲۰) و در نوشته‌ای قائم به شخص بودن حکومت را موجب بی‌ثباتی و اضمحلال دانسته و می‌نویسد: «اراده کیف ما یشاء از اول دنیا مایه محو و اضمحلال بوده و تا آخر دنیا ذره تأثیر باز نخواهد ماند» (حبل‌المتین، ۶ رمضان ۱۳۱۷، س ۷، ش ۱۰: ۱۱۲). در مقاله دیگری ابراز می‌دارد که اگر اداره کشور در دست یک شخص تمرکز یابد، حتی اگر آن شخص دارای «قوه قدسیه» باشد، خیری برای مملکت و دولت نخواهد داشت و اگر خیری هم ظهور یابد، زودگذر خواهد بود. برای گفته خود به ناپایداری اصلاحات امیر کبیر اشاره کرده و به منظور ایجاد ثبات و دوری از تذبذب و ترقی دائمی کشور، وجود قانون اساسی را برای اداره کشور ضروری می‌داند (حبل‌المتین، ۶ رمضان ۱۳۱۷، س ۷، ش ۱۰: ۱۱۲). در مقاله‌ای منتسب به «یکی از دانشمندان» با عطف نظر به مسئله تفکیک قوا و در تبیین ارتباط تباهی‌های مملکت با شیوه فرما‌روایی استبدادی و شخص‌محور، چنین آمده است: مشخص است وقتیکه قدرت قانونگذاری و اجرا به یک شخص و یا یک نهاد واگذار شد و توجهی به رأی و نظر ملت نشد و ملت هم نظارتی بر اقدامات دولت نداشت، عاقبت چنین روش و جامعه‌ای انقراض است (حبل‌المتین، ۳ صفر ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۸: ۱۶-).

۱۵). به این ویژگی استبداد که در آن مجالی برای ابراز رأی و نظر ملت نیست، انتقاد کرده و با اشاره به آثار زیانبار عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای می‌نویسد: همه تباهی‌های کشور از جمله محرومیت ایران از کشتیرانی در دریای خزر، جدایی هرات و از دست رفتن ترکستان (خان‌نشین‌های آسیای میانه) و واگذاری امتیازات زیانبار به اجانب، همگی از نتایج شوم استبداد و عدم مشورت حکومت با ملت است (حبل‌المتین، ۳ صفر ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۸: ۱۶). همانطور که ملاحظه می‌شود، حبل‌المتین در تدوین راهکار برون‌رفت از تباهی‌های مملکت، با رویکردی عرفی بر تشکیل دولت مدرن از راه استقرار نظام مشروطه نظر دارد. نظامی که در آن با حاکمیت قانون اساسی و پارلمان، اختیارات پادشاه معین و محدود شده و وزرا نسبت به اقدامات خود در برابر نمایندگان ملت مسئول و پاسخگو می‌باشند؛ بر این باور است که با حاکمیت قانون اساسی و پارلمان، شخص‌گرایی زایل شده، قانونگذار و مجری قانون از هم تجزیه گشته و نمایندگان ملت، ناظر بر اعمال کابینه هستند، حقوق و تکالیف دولت و ملت، معین و با تعیین حقوق برای ملت، مردم خود را در سود و زیان مملکت سهیم دانسته، به دفاع از مملکت برمی‌خیزند. خلاصه آنکه با مراجعه به آرای ملت، نه تنها خطاهایی که در حکومت شخصی پدیدار می‌شد، از میان خواهد رفت بلکه باعث یگانگی دولت و ملت و در نهایت باعث ترقی و تعالی مُلک و ملت خواهد شد.

حبل‌المتین در مقاله‌ای با عنوان «به قلم یکی از دانشمندان»، به نقد حکومت‌های مستبد و خودکامه پرداخته و بر ضرورت مراجعه به رأی جمعی تأکید کرده و می‌نویسد: اگر ایران به شیوه استبدادی اداره نمی‌شد، مملکت دچار چنین ضعف و ملت دچار چنین حقارتی نمی‌شدند. این مقاله واگذاری امتیازات زیانبار به روس و انگلیس را ناشی از حاکمیت «استبداد رأی و غرض شخصی» و فقدان «شورا» عنوان می‌کند (حبل‌المتین، ۱۲ صفر ۱۳۱۸، س ۷، ش ۲۹: ۱۳-۱۲). روزنامه مذکور بنا بر تلقی جدیدی که از نظام سیاسی و مناسبات ملت و دولت کسب نموده است؛ در نوشته دیگری، ضرورت یگانگی دولت و ملت را مطرح می‌سازد و راه دستیابی به این مهم را در توجه به آرای ملت و تأمین حقوق آنها می‌داند. یگانگی ملت با دولت را شرط بقای حکومت و تأمین حقوق مردم را شرط همراهی ملت با دولت عنوان می‌کند و در ادامه توضیح می‌دهد که تأمین «حقوق جمهور و سعادت ملت و وطن» بر پایه استبداد و میل و اراده شخصی غیر ممکن است

(حبل‌المتین، ۴ محرم ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۵: ۱۵-۱۴). در مقاله دیگری از حکومت غیر مستبده و غیر شخصی انگلیس که ملت از حقوق خود برخوردار بوده و برای حفظ دولت و مملکت خود حاضر به فدای جان و مال هستند، یاد کرده (حبل‌المتین، ۲۶ محرم ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۷: ۱۰) و در ادامه می‌نویسد: «هرگاه ملتی از حقوق خود مستفید شد، دولت و وطن دوست می‌شود و چون ملتی آگاه شد، در محافظه شئون ملی و اعتلای نام دولت خود می‌کوشد و حدود ملک خود را از هجوم دشمن محافظه می‌نماید» (حبل‌المتین، ۲۶ محرم ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۷: ۱۱). در نظر حبل‌المتین حکومتی مطلوب و کارآمد است که مردم از حقوقی چون امنیت جانی و مالی بهره‌مند باشند. چرا که در نظامی که منافع ملت و دولت به یکدیگر گره خورده باشند، هر دو طرف مجبور به همکاری و ملاحظه حقوق دیگری را می‌نماید و از جمله، مردم با ملاحظه تأمین حقوق خود به دفاع از نظام سیاسی حاکم برخوانند خاست.

حبل‌المتین در سرمقاله شماره ۴۵ از سال چهاردهم، با عنوان «قانون اساسی و شورای ملی ایران»، می‌نویسد: سلطنت مشروطه، دارای دو رکن اصلی «شورای ملی یعنی مجلس» و «قانون اساسی» است (حبل‌المتین، ۲۶ جمادی الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۴۵: ۱). در ادامه به نقل از روزنامه «هرلد»، مشروطیت را برخوردار از «چهار کلیه» یا «ارکان اربعه» معرفی می‌کند که انحراف از آنها، انحراف از مشروطیت شناخته می‌شود. اصل اول عبارت است از «آزادی اقلام و حریت افکار ملت» که در اهمیت این اصل می‌آورد: «شجره مشروطیت در خیابان آن نشو و نما می‌نماید، هر دولت که رعایایش از آزادی اقلام و حریت افکار محروم باشد، مشروطه گفته نمی‌شود». اصول دوم و سوم عبارتند از: «تعلیم عمومی و مشق اجباری». اصل چهارم نیز عبارتست از: «نگرانی در کلیه جمع و خرج دولت و انتظام بودجه سلطنت» (حبل‌المتین، ۲۶ جمادی الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۴۵: ۲). اصل آزادی بیان و قلم از مفاهیم بنیادین اندیشه سیاسی جدید به طور عام و نظام مشروطیت بطور خاص بود که به تعبیر اندیشمندان سیاسی در کنار قانون اساسی، مجلس نمایندگان و احزاب به رکن چهارم دموکراسی اطلاق گردیده است. مولفه سوم که ناظر بر تشکیل ارتش منظم و مولفه چهارم که بر تنظیم مالیه کشور تأکید دارد، در واقع از ویژگی‌های دولت‌های ملی در قرون جدید بود که حبل‌المتین از قول روزنامه «هرلد» به آنها اشاره می‌کند.

در توضیح رویکرد جبل‌المتین به مشروطیت می‌توان گفت که این نشریه، دریافتی عرفی از فلسفه وجودی و کارکرد این نظام داشته و تبیینش از ضرورت استقرار مشروطیت در ایران نیز حاکی از آنست که تشکیل دولت مدرن از راه استقرار مشروطیت را وسیله‌ای برای عبور از استبداد و خودکامگی به عنوان اصلی‌ترین عامل عقب‌ماندگی و تباهی‌های کشور ارزیابی می‌کند. بنابر این ملاحظات، می‌توان گفت که رویکردش در نوسازی سیاسی، رویکردی عرفی است.

جبل‌المتین و مسئله نوسازی دولت و قانونگذاری

اعمال قانونمند و دموکراتیک قدرت، مشخص نمودن حقوق افراد، اصل برابری در پیشگاه قانون، استقرار قانون اساسی، تأمین منافع عمومی، تفکیک قوا، مصونیت جان و مال و آزادی مردم، مهمترین اصول مورد تأکید نظام‌های مدرن و مشروطه هستند (MURKENS, 2009: 441-442, 444, 431-432; Loughlin, 2015: 2; Bellemy, 2077: 1, 4-7) که جبل‌المتین نیز همانگونه که در مبحث قبل ملاحظه شد، بر تحقق آنها تأکید می‌نماید. افزون بر این، جبل‌المتین در مقالات متعددی نظام پارلمانی و مشروطه انگلیس را به‌عنوان کاملترین نظام مشروطه، الگویی برای استقرار مجلس و تدوین قانون اساسی در ایران پیشنهاد می‌کند (ن.ک: جبل‌المتین، ۲۶ محرم ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۷: ۱۰؛ همان، ۱۰ صفر ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۹: ۱۲؛ همان، ۲۸ محرم ۱۳۲۱، س ۱۰، ش ۲۶: ۵-۴؛ همان، ۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۳۷: ۱۶؛ همان، ۳ رجب ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۴: ۴؛ همان، ۲۶ شعبان ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۱۱: ۷-۶؛ همان، ۲۳ شوال ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۱۸: ۲-۱؛ همان، ۱۷ صفر ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۳۲: ۱؛ همان، ۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۳۵: ۳، ۷-۵؛ همان، ۵ جمادى الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۴۲: ۴؛ همان، ۱۹ جمادى الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۴۴: ۳-۲؛ همان، ۷ شوال ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۱۶: ۲). لکن قانونگذاری در ایران، مسئله‌ای بحث‌برانگیز بود و بر سر این موضوع، مشروعیت مشروطه در دور اول مجلس، به چالش کشیده شد. علیرغم اینکه جبل‌المتین در ایام منازعه بر سر مشروعیت مشروطه، ایده تفکیک شرع از عرف را به عنوان راهکار قانونگذاری و تدوین قانون اساسی ترویج می‌کند؛ لکن قبل از منازعه مزبور، به این ضرورت توجهی نشان نمی‌دهد که تبیین و ترویج ایده مزبور باید از مبانی شرع استخراج شده و تکیه‌گاهی شرعی داشته باشد. جبل‌المتین بنا بر ضرورت پیش آمده در ایامی که علمای مخالف، مشروطه را مغایر

با شرع تلقی می‌کردند؛ اندیشه مشروطه‌خواهی و راهکار جدایی شرع از عرف را در قالب نظریه‌ای بر اساس مبانی فقه سیاسی شیعه تبیین می‌کند. در این بخش، مقالات نشریه مزبور در دوره قبل و بعد از منازعه بر سر مشروعیت مشروطه مورد بررسی قرار می‌گیرند. الف - حبل‌المتین و مسئله نوسازی دولت و قانونگذاری قبل از چالش مشروعیت مشروطه بیشتر ملاحظه شد که رویکرد حبل‌المتین برای استقرار مشروطیت در ایران، عرفی و الگویی نظام مشروطه انگلیس بود. با توجه به اینکه مخالفت شیخ فضل‌الله نوری با مشروطیت با خودداری از امضای متمم قانون اساسی در اواخر ربیع الثانی و اوایل جمادی الاول ۱۳۲۵ علنی شد، در این مبحث تلاش می‌شود، رویکرد و راهکار روزنامه حبل‌المتین در خصوص قانونگذاری در مقالات قبل از تاریخ مزبور مورد بررسی قرار گیرند. در مقاله‌ای با عنوان «مقاله یکی از دانشمندان» در ضرورت قانونمندی و کفایت قانون شرع آمده است: «اینهمه ترقیات اروپائیان را سبب آن است که قانونی از شریعت مسلمانان اقتباس و اختیار نموده‌اند و بموقع اجرا وضع کرده‌اند. یعنی دستگاه وضع قانون را و دستگاه اجرا را از یکدیگر جدا نموده‌اند. از هر کس بخلاف قانون حرکتی صادر شود ولو صاحب هر رتبه و مقام و یا هرگونه ثروت و یسار بوده باشد، فی‌الغور او را تحت محاکمه درآورده پس از آنکه تقصیرش تبیین و تحقق نمود، بفراخور همان تقصیر، او را مسؤل می‌دارند و هیچ وزیر و امیری را زهره آنکه واسطه شود و یا بدیوان اجرا امر و نهی نماید، نیست» (حبل‌المتین، ۲۸ شعبان ۱۳۱۷، س ۷، ش ۹: ۱۰۰) و در ادامه می‌افزاید: «سعادت مادی و معنوی عموم بشر بسته بحکم قانون است و قانون عبارت است از آنکه افعال عمومی را در تحت قیود مخصوصه درآورده باشد و از برای هر فعل جزا و مکافاتی تعیین نموده باشد. قوانین شرع مقدس نبوی دارای تمام احکام است. پس ما را لازم است، دیده بصیرت خود را گشوده و در نخستین درجه برعایت قوانین شرع اقدام نمائیم و مأمورین را بیک مسلک مستقیم مجبور سازیم» (حبل‌المتین، ۲۸ شعبان ۱۳۱۷، س ۷، ش ۹: ۱۰۰). در ادامه با توضیحاتی که می‌دهد مشخص می‌شود که منظورش از «قانون متین» و «مسلک مستقیم»، قانون اساسی است. چرا که یکی از شرایط قانون مورد نظرش، «ثبات مسلک» و عدم «تغییر و تبدیل» است (حبل‌المتین، ۲۸ شعبان ۱۳۱۷، س ۷، ش ۹: ۱۰۰). بر این باور است که به منظور بهره‌مندی از قانون اساسی، این قوانین باید از هرگونه تغییری مصون بوده و از ثبات برخوردار باشند و در ادامه می‌افزاید: قانون اساسی و یا

«مسلک» مورد نظر ما باید قوانینی باشند که بوسیله آن بتوان «احکام و قانون شرع مبین» را اجرا کرد (حبل‌المتین، ۲۸ شعبان ۱۳۱۷، س ۷، ش ۹: ۱۰۱-۱۰۰). نوشته مزبور بر نقش قانون اساسی در ترقی اشاره دارد. با توجه به اینکه اصل تفکیک قوا و اصل مسئولیت از اصول مندرج در قوانین اساسی غربی و از مفاهیم نظام‌های جدید سیاسی اروپایی بودند، نویسنده مقاله برای جامعه‌پذیر نمودن قانون اساسی، آن را با قوانین شرع یکسان جلوه داده و ترقیات اروپاییان را به اقتباس قوانین اسلام نسبت می‌دهد و ضمن تأکید بر قانونمندی اعلام می‌کند که قوانین شرع برای ما کفایت می‌کنند و قانون اساسی ما باید قوانینی را شامل شوند که نحوه اجرای قوانین شرع را معین کنند. یعنی قوانینی لازم است که کیفیت اجرای قوانین شرع را مشخص نمایند. با این قید در کنار شرع جایی برای عرف باز می‌کند.

در مقاله «وسیله نمو و مایه انحطاط دول»، وضع هر قانونی منوط بر «اتفاق آرا و صلاح‌دید عمومی» ارزیابی شده است که از طریق انتخاب نمایندگان مردم محقق می‌شد (حبل‌المتین، ۷ جمادی الثانی ۱۳۲۱، س ۱۰، ش ۴۱: ۱۳). قانونگذاری با شرایط مزبور که در واقع قسمی از نوسازی سیاسی بود، تنها در چارچوب دریافت عرفی حبل‌المتین از دولت قابل توضیح است. قانونگذاری بر اساس اکثریت آرا و بر اساس حفظ منافع عمومی، به حوزه عرف و مسائل مرتبط با اداره جامعه مربوط می‌شد. جدایی شرع از عرف از منظر حبل‌المتین، بدینصورت بود که برای موضوعاتی که نص شرعی وجود داشت، باید بر اساس شرع عمل می‌شد. اما اداره جامعه باید در چارچوب نظام مشروطیت و با اکثریت آرا و حفظ منافع عموم مردم ساماندهی گردد. در نوشته دیگری به قلم «یکی از فضیلت‌های نامدار»، نویسنده مقاله راه ترقی را در یگانگی «هیئت اجتماعی» و لازمه این یگانگی را منوط بر تحقق «عدل» و لازمه تحقق عدل را در تدوین قانون دانسته و می‌افزاید: «و وضع قانون بسته به استحصال رأی جمهور، و استحصال آرای جمهور منحصر به تشکیل مجلس مبعوثان است» (حبل‌المتین، ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۲، س ۱۱، ش ۴۱: ۱۵). با خطاب به درباریان و رجال منفعت‌پرست که خیر خود را خیر ملت می‌پندارند و توجهی به مصالح عمومی ندارند، می‌افزاید: «چون قانون مسئولیت در میان نیست، کارهای بی‌بصیرتانه و حرکات بیخردانه از آنان بروز می‌نماید ... بلی میدان یافتن اینگونه مردم، سبب عدم قانونست و وضع قانون موقوف بهمراهی عموم. و اتفاق عموم بسته به انعقاد مجلس

مبعوثانست. دولتی که اصول مشروطیت را اختیار ننموده از هیچگونه تدبیر ولو آنکه صائب باشد، بهره‌ور نتواند شد» (حبل‌المتین، ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۲، س ۱۱، ش ۴۱: ۱۵). این فقرات گواه دیگری بر این مدعا است که رویکرد حبل‌المتین به نظام سیاسی و قانونگذاری، رویکردی عرفی است. چرا که مشروطه را وسیله‌ای برای مشارکت مردم در قانونگذاری، تحقق عدل و همبستگی اجتماعی و ترقی جامعه تبیین می‌کند و ناگفته پیداست که «استحصال رأی جمهور» در قانونگذاری و منوط بودن قانونگذاری به «اتفاق آرا و صلاح دید عمومی» در مورد قوانین موضوعه و عرفی مطرح می‌شود و نه دخالت در حوزه شرع. چون اساس گفتارش مبتنی بر الگوی عرفی مشروطیت انگلیس بود و دغدغه پادشاه وقت ایران و دودمان قاجاریه در حفظ سلطنت‌شان نیز در چارچوب این الگو مراعات می‌شد، نظریه حکومت قانون خود را بر مبنای اصول و مفاهیم مشروطیت انگلستان سازمان داده و تبیین می‌کند. در واقع با توجه به این مسئله که علت توجه حبل‌المتین به الگوی مشروطیت انگلیس، از میان برداشتن استبداد و خودکامگی و دستیابی ایران به ترقی از راه نوسازی سیاسی بود، این نشریه همواره در تبیین گفتار قانون‌خواهی خود، از قوانین شریعت به غیر از کلی‌گویی، سخنی به میان نمی‌آورد؛ لکن از آنجا که نظر بر مشروطیت و پارلمان انگلیس دارد، در مقالات متعددی به تشریح و تبیین مفاهیم و مولفه‌های مشروطیت از جمله: قانون اساسی، پارلمان، آزادی و تحزب می‌پردازد. تأکید بر عبارات و مفاهیم «اتفاق آرا و صلاح‌دید عمومی»، «استحصال رأی جمهور»، «انعقاد مجلس مبعوثان» و «اصول مشروطیت» در فقرات مزبور نیز در چارچوب همین رویکرد حبل‌المتین به نظام سیاسی و گفتار قانون‌خواهی قابل توجه بوده و ادعای عرفی بودن رویکرد این نشریه را تأیید می‌نماید. به عبارت بهتر، هر چند حبل‌المتین در گفتار نوسازی سیاسی و قانون‌خواهی خویش ملاحظه شرع را دارد و با تفکیک شرع از عرف، خواهان اجرای احکام شرع است؛ لکن امر حکومت را خارج از حیطه شرع و متعلق به مردم می‌داند و قوانین شرع بخش اساسی و روح گفتار قانون‌خواهی روزنامه یاد شده را به خود اختصاص نمی‌دهد. بر عکس آنچه جوهره گفتار قانون‌خواهی حبل‌المتین را سامان داده و توضیح می‌دهد، اصول، مبانی و مفاهیم و نهادهای عرفی برآمده از مشروطیت انگلیس است. به عبارت خلاصه‌تر، حبل‌المتین در شیوه اداره کشور و گفتار قانون‌خواهی خود رویکرد عرفی اتخاذ کرده است.

حبل‌المتین در سرمقاله شماره ۱۱ سال ۱۳۲۴ با عنوان «ایران و ایرانیان»، در تشریح چگونگی قانونگذاری، رویکرد عرفی خود در اداره کشور را با تقسیم قوانین به دو دسته ۱- دیوانی و ۲- حقوقی - جزایی آشکار کرده و با عطف نظر به الگوی قانونگذاری انگلیسی‌ها در اداره کشور، راهکار خود برای قانونگذاری در ایران را اینگونه توضیح می‌دهد: «ما در امور هیئت اجتماعی دو دستگاه لازم داریم: اول دستگاه دیوانست در آن فقره اگر خواسته باشیم، بعقل و دانش خود حرکت نموده و از روی معلومات ناقص خویش ترتیبی بدهیم، جز سرگردانی و پریشانی حاصلی نخواهیم برداشت. هزار سال است که علمای این فن در اروپا زحمت کشیده با صد هزاران تجربه، اساسی چیده و قانونی تدوین نموده‌اند. پس بر ما لازم است که خود را بیهوده گرفتار رنج ننموده عیناً او را قبول نمائیم که هم ملت آسوده شود و هم دولت قوی و بهترین جمیع قوانین ملکداری، قانون دولت انگلیس است که هم مایه آسودگی رعیت و هم اسباب شوکت و بقا و دوام دولت بالورائه است ... دستگاه دیگر دستگاه حقوق و جنایت و جزاست که قانون خدا و شریعت پیغمبر آخرالزمان سلم را باید بدون سر موئی کم و زیاد رعایت و بعموم دنیا اعلان نمائیم ... اگر در مسئله حقوق و جزا سر موئی از احکام شرع مقدس تجاوز ورزیم، بچه‌گونه ضررها دچار و مبتلا خواهیم گردید و چه مفاسد در کارهای عموم بروز خواهد نمود و دولت گرفتار چگونه در دسرها خواهد شد»^۱ (حبل‌المتین، ۲۶ شعبان ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۱۱: ۷-۶). حبل‌المتین در فقره مزبور در خصوص قانونگذاری، اموری را که حکم‌شان در شریعت بیان شده، تحت عنوان قوانین شرع لازم‌الاجرا دانسته و در کنار آن، قوانین عرفی و ترتیبات اداره نهادها را با تعبیر «قوانین ملکداری»، ضروری برشمرده و الگوی انگلیسی آن را پیشنهاد می‌دهد. راهکار جدایی شرع از عرف به این معنی بود مسائلی که در مورد آنها نص شرعی وجود داشت، باید مطابق شرع عمل می‌شد و امر حکومت، امری عرفی تلقی می‌گشت که باید از طریق مجلس شورا و مشارکت مردم محقق می‌شد. اما نکته قابل توجه این است که رویکرد و راهکار مزبور، توجیه و

۱. آرای نشریه مزبور در خصوص نوسازی نهادها و قوانین اداری کشور، مشابه آرای میرزا ملکم‌خان است. پیشتر میرزا ملکم‌خان در طرح‌های اصلاحی خود، بر أخذ بی‌کم و کاست نظم و آیین حکومتی غربی و اقتباس کامل شیوه‌های اداری اروپاییان تأکید کرده بود (آدمیت، ۱۳۴۰: ۱۲۶-۱۲۵).

تکیه‌گاه شرعی نداشت. یعنی راهکارش بر اساس توضیح و ادله‌ای استوار نشده است تا تأیید کند بر اساس فلان برهان و فلان وسیله و مبنای شرعی، امکان قانونگذاری بر اساس ایده تفکیک شرع از عرف وجود دارد. در واقع راهکار حبل‌المتین دچار این مسئله و مشکل بود که چگونه می‌شد، با وجود شریعت اسلام که برای آخرت و دنیا حکم و برنامه داشت، قانونگذاری کرد و شرع را از امور معاشیه جدا کرد؟ این موارد مسائل مهمی بودند که مشروعیت مشروطه را به چالش کشیدند و باید ایده جدایی شرع از عرف، بر اساس مبانی شرع تبیین می‌شد تا بتواند بین اندیشه دولت مدرن و فقه سیاسی شیعه، پیوندی ایجاد نماید. چنین به نظر می‌آید، توسل به نظریه حکومت جور و نظر فقهای نجف مبنی بر واگذاری امر حکومت به جمهور مردم در عصر غیبت (حبل‌المتین، ۱۴ شوال ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۱۷: ۲۲-۲۱؛ کسروی، ۱۳۲۰: ۱۱؛ فیرحی: ۱۳۹۳: ۲۴۶-۲۴۵، ۲۵۲؛ اصغری: ۱۱۳-۱۱۲؛ شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۱۰)، تنها راه ممکن و تنها جواز شرعی برای اعمال ایده مزبور بود که حبل‌المتین نیز در ایام منازعه بر سر مشروعیت مشروطه با استناد به نظرات علمای نجف به همین تنها راه ممکن تمسک می‌جوید.

ب- حبل‌المتین و مسئله نوسازی دولت و قانونگذاری بعد از چالش مشروعیت مشروطه اصلی‌ترین دغدغه حبل‌المتین، ترقی ایران و اساسی‌ترین راهکارش برای هدف مزبور، عبور از نظام سیاسی خودکامه و استبدادی و استقرار حکومت قانون در قالب سلطنت مشروطه بود. به عبارت بهتر دغدغه ترقی ایران و مقابله با استبداد، عامل توجه این نشریه به اندیشه مشروطیت و ترویج آن بود. رویکرد حبل‌المتین در تشکیل حکومت و استقرار نظام مشروطه تا زمانیکه مشروطیت از سوی علمای مخالف، غیر شرعی تلقی شد، رویکردی عرفی بود که از پشتوانه نظری شرعی برخوردار نبود. اما زمانی که عده‌ای از علما مشروطه را مغایر با شرع تلقی کردند و خواهان مشروطه مشروعه شدند، بر اساس اقتضای شرایط با استناد به نظرات فقهی - سیاسی علمای نجف، رویکرد عرفی خود به امر سیاست و ایده تفکیک شرع از عرف را بر اساس تبیینات و توجیهاات شرعی سامان می‌دهد. به عبارت دیگر، اندیشه مشروطیت را بر اساس نظریه‌ای مبتنی و یا در سازگاری با شرع تبیین و ترویج می‌کند. به نحوی که دو حوزه شرع و عرف ضمن تفکیک از هم، حضور موثر و مسالمت‌آمیزی در قانون اساسی و امر قانونگذاری داشته باشند.

سابقه مطرح شدن ایده تفکیک بین حوزه شرع و عرف در دوره قاجاریه، ظاهراً به قبل از مجلس اول و به رساله یک کلمه میرزا یوسف خان مستشار الدوله بر می‌گردد که وی در این رساله در تلاش است تا بر اساس الزامات دوران جدید، مبنای نظری جدیدی برای تبدیل قانون شرع به حقوق جدید بیابد (طباطبائی، ۱۳۸۶: ۲۰۷، ۲۴۲-۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷-۲۴۸). میرزا یوسف خان در رساله مزبور متأثر از اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ فرانسه پس از بیان معایب اختلاط مصالح دنیوی و امور اخروی در قوانین شرع، راه حل را در جدایی قوانین شرع از قوانین مربوط به «سیاست و معاش» می‌داند (میرزا یوسف خان مستشار الدوله، ۱۳۶۳: ۱۴؛ طباطبائی، ۱۳۸۶: ۲۱۴-۲۱۳). وی با همین رویکرد و بر مبنای همین راه حل، در زمان تصدی مستشاری عدلیه در زمان وزارت عدلیه میرزا حسین خان مشیرالدوله، طرح «قانون عدالتخانه‌های ممالک ایران» را در سال ۱۲۸۸ ق و طرح قانون اساسی رسمی ایران را در سال ۱۲۸۹ تدوین کرده بود (طباطبائی، ۱۳۸۶: ۲۵۰-۲۴۹). توجه به ایده تفکیک قوانین شرع از قوانین اداره جامعه، در مجلس اول مشروطه هم ملاحظه می‌شود. در زمانی که شیخ فضل‌الله و یارانش در زاویه عبدالعظیم حسنی بست نشسته بودند؛ مجلس در تاریخ سوم شعبان ۱۳۲۵ در پاسخ به سوال طرفداران شیخ فضل‌الله مبنی بر اینکه معنای مشروطیت چیست و حدود مداخله مجلس تا کجاست؟ پاسخ داده بود که مشروطیت تنها به وضع قوانین عرفی و امور مربوط به اداره جامعه خواهد پرداخت و دخالتی در شرع نخواهد داشت (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۲۷-۲۶؛ ترکمان، ۱۳۶۳: ۱۴۷-۱۴۵۴). تقی‌زاده نماینده مجلس اول مشروطه نیز در مذاکرات مجلس بر تفکیک شرع از عرف تأکید می‌کرد (حقدار، ۱۳۸۳: ۳۰۸) و جدایی کامل دین از سیاست، یکی از اصول و برنامه‌های فرقه دموکرات ایران (اجتماعیون عامیون) بود (محبوب، ۱۳۹۴: ۳۹). «حسنعلی خان» نماینده اعیان تهران هم در مذاکرات رور پنجشنبه ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۶ بر تفکیک «حقوق پولتیکی و سیاسی» از «حقوق شرعی» نظر داشت و در خصوص قوانین عدلیه بر این مسئله تأکید می‌کرد که وضع «احکام و قوانین و مجازات» باید مطابق با شرع و نظارت علما صورت گیرد، لکن وضع قوانین مرتبط با اداره نهادها دخلی به شرع ندارد (محبوب، ۱۳۹۴: ۴۸۰-۴۷۹). نکته قابل ذکر اینکه بزرگان مجلس اول هم که با اندیشه مشروطیت آشنایی داشتند، مشروطیت را صرفاً الگوی جایگزینی برای نظام استبدادی در نظر گرفته و این اندیشه را بر اساس مبانی شرع تبیین نمی‌کردند. در واقع پس از

غیرشرعی تلقی شدن مشروطیت از طرف علمای مخالف مشروطه، زمینه تبیین اندیشه مشروطیت بر اساس مبانی شرع و یا در هماهنگی با آن فراهم شد. اساساً در دوره‌ای که بر سر مشروعیت مشروطه منازعه در جریان بود، نظرات فقهی علمای نجف منشأ و تکیه‌گاه شرعی ایده تفکیک شرع از عرف بود که از سوی حبل‌المتین به عنوان راهکار استقرار مشروطیت و قانونگذاری ترویج می‌شد. این ایده در اکثر رسائل علمای مشروطه‌خواه نیز ملاحظه می‌شود. رساله «انصافی» نوشته ملا عبدالرسول کاشانی و رساله «بیان معنی سلطنت مشروطه و فوائد» از عماد العلماء خلخالی از جمله این رسائل هستند که در تبیین مشروعیت و ضرورت مشروطه بر تفکیک احکام شرعی از قوانین اداره جامعه نظر دارند (کاشانی، ۱۳۷۴: ۳۲۱؛ خلخالی، ۱۳۷۴: ۵۷۰). نویسنده رساله «مکالمات حاجی مقیم و مسافر» در اثبات عدم مغایرت قانونگذاری مجلس با شرع اسلام، توضیح می‌دهد که مجلس در دو حوزه، قانونگذاری خواهد نمود که مغایرتی با شرع نداشته و تصرف در شرع هم محسوب نمی‌شود. نخست، قانونگذاری در شکل و کیفیت اجرائی قوانین شرعی و دوم در امور عرفیه‌ای که بر عکس شرع، قابل تغییر و تبدیل است (نجفی اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۲۷). شیخ اسماعیل محلاتی غروی صاحب رساله «اللثالی المربوطه فی وجوب المشروطه» هم ورود به شرعیات و تعیین حکم شرعی را در صلاحیت مجلس ندانسته بلکه وظیفه و صلاحیت این نهاد را وضع قوانینی در «کلیات امور سیاسیه» می‌داند که علم و جهل به احکام شرعی نسبتی با آن ندارد (محلاتی غروی، ۱۳۷۴: ۵۱۷-۵۱۶). نائینی هم که در رساله «تنبیہ الأمم و تنزیه المله» به تبیین ضرورت استقرار مشروطه و مشروعیت این نظام پرداخته است، به تفکیک احکام شرعی و قوانین مرتبط با اداره جامعه توجه نموده و بر ضرورت اداره جامعه و مسائل سیاسی از طریق مجلس نظر دارد (فیرحی، ۱۳۹۱: ۲۹۹-۲۹۸؛ طباطبائی، ۱۳۸۶: ۵۱۶، ۵۲۰؛ گروه پژوهشگر، ۱۳۸۸: ۳۰-۲۸، ۳۷) و در تبیین نسبت قانون اساسی با شرع اشاره می‌کند که مجلس قوانین عرفی را با قصد و عنوان قوانین شرعی و الهی ارائه و الزام نخواهد کرد (فیرحی، ۱۳۹۱: ۳۰۳) و تنها به وضع قوانین در موضوعاتی که نص شرعی وجود ندارد، خواهد پرداخت (فیرحی، ۱۳۹۱: ۳۲۱؛ طباطبائی، ۱۳۸۶: ۵۲۲).

علی‌رغم اینکه مواضع مشابهی میان حبل‌المتین و علمای طرفدار مشروطه در دفاع از مشروطیت ملاحظه می‌شود و در اصل، حبل‌المتین آرای علمای نجف در حمایت از

مشروطیت را ترویج می‌کند لکن باید اشاره کرد که حبل‌المتین پیش از بروز منازعه بر سر مشروعیت مشروطه، با دغدغه پیشرفت ایران و یافتن درمانی برای عقب ماندگی ایران با رویکردی عرفی به ترویج اندیشه مشروطیت می‌پرداخت و پس از فروکش کردن منازعه مزبور و فتح تهران بدست مجاهدان و نیز پس از تحولاتی که ایران و عثمانی بعد از جنگ جهانی اول به خود دیدند، رویکرد عرفی خود را در امر سیاست با صراحت اعلام داشته و در مقالاتی بر جدایی دین از سیاست و محدود کردن روحانیون و ممنوعیت آنها از دخالت در سیاست تأکید می‌کند (ن ک: حبل‌المتین، ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۴۲، س ۳۲، ش ۱: ۱۳-۱۲؛ همان، ۲۵ ذیحجه ۱۳۴۲، س ۳۲، ش ۶: ۱؛ همان، ۱۳ ربیع الاول ۱۳۴۳، س ۳۲، ش ۱۵: ۱۳؛ همان، ۲۲ رمضان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۱۱: ۳-۱؛ همان، ۱۳ ربیع الاول ۱۳۴۴، س ۳۳، ش ۳۲: ۱۰-۹). تفاوت اصلی رویکرد و راهکار حبل‌المتین با علمای مشروطه خواه در ایام منازعه بر سر مشروعیت مشروطه، این بود که نشریه مذکور در تلاش است تا اندیشه عرفی مشروطیت به چالش کشیده شده را بر اساس ایده تفکیک شرع از عرفی که علمای نجف با تمسک بر این ایده بر ضرورت مشروطه تأکید می‌کردند، به شکل یک گفتمان صورتبندی کرده و در رسانه‌ای کثیرالانتشار ترویج کند. با توضیحات مزبور می‌توان گفت که حبل‌المتین بر اساس مقتضیات متفاوت، رویکرد عرفی خود را به امر سیاست در سه مقطع با تبیینات متفاوتی نشان داده است. اول: از ابتدای ترویج اندیشه مشروطه تا بروز منازعه بر سر مشروعیت مشروطه که با رویکرد عرفی و بر اساس الگوی وارداتی غربی، اندیشه مشروطیت را ترویج می‌کند. دوم: در ایام منازعه بر سر مشروعیت مشروطه که با اتکا به آرای فقهی علمای نجف، ایده تفکیک شرع از عرف را سامان داده و ترویج می‌کرد و سوم: پس از سقوط سلطنت و خلافت عثمانی و تأسیس جمهوری جدید ترکیه که به صراحت بر جدایی دین از سیاست و عدم دخالت روحانیون در سیاست نظر دارد. همانگونه که طباطبائی نیز اشاره کرده است کلید موفقیت مشروطیت ایران این بود که همانند مبانی نظری مشروطه اروپا که از الهیات ناشی شده بود، مبانی نظری اندیشه مشروطیت در ایران نیز بر اساس مبانی شرع استوار گردد (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۰). حبل‌المتین در دوره منازعه بر سر مشروعیت مشروطیت (مقطع دوم) از رویکرد عرفی به سیاست، متوجه این امر مهم شده و کوشش نموده است دریافتش از اندیشه مشروطیت را با فقه سیاسی شیعه جمع و تبیین نکرده و از این طریق مشروطه نو پا

را از چالش پیش آمده خلاص نماید. پیشتر، رویکرد عرفی و الگوی غربی حبل‌المتین (مقطع نخست از رویکرد عرفی به سیاست) در تعریف مشروطیت مطالعه شد. در ادامه نگاهی کوتاه بر اندیشه‌ها و مواضع علمای نجف در خصوص مشروطیت انداخته می‌شود و نیز مقطع دوم از رویکرد عرفی نشریه مذکور به سیاست که با تکیه بر استدلال‌ات شرعی تبیین و ترویج شده است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

* مواضع علمای ثلاث نجف در قبال مشروطیت

با توجه به اینکه روزنامه حبل‌المتین در ایامی که بر سر مشروعیت مشروطه، منازعه فکری و مبارزه مسلحانه در جریان بود با تکیه بر اندیشه‌ها و مواضع علمای ثلاث نجف (آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی، میرزا حسین فرزند میرزا خلیل طهرانی)، تبیین عرفی خود را از مشروطیت به تبیین عرفی - شرعی تبدیل ساخت و راهکار اساسی خود را با تمسک بر آرای فقهی - سیاسی علمای مزبور سامان داد، نگاهی بر مواضع علمای ثلاث ضروری می‌نماید.

اندیشه سیاسی علمای ثلاث بویژه مهمترین نماینده این گروه یعنی آخوند خراسانی بر اندیشه‌های فقهی - سیاسی شیخ انصاری مبتنی بود. شیخ انصاری ولایت سیاسی را منحصر به امام معصوم می‌دانست و بر این باور بود که در دوره غیبت، استقلال فقیه برای ولایت سیاسی ثابت نشده است و فقیه ولایت سیاسی ندارد (فیرحی، ۱۳۸۴: ۲۰۱ - ۲۰۰؛ کدیور، ۱۳۸۴: ۲۴۰)؛ او همچنین تمام حکومت‌های دوره غیبت را به لحاظ اینکه مقام معصوم (ع) را غصب کرده‌اند، جائز یعنی نامشروع می‌دانست (فیرحی، ۱۳۸۴: ۲۰۳).

علمای ثلاث نجف نیز با تأثر از مکتب شیخ انصاری، بر این باور بودند با توجه به اینکه در عصر غیبت امام زمان (ع) امکان «اجرای شریعت» وجود ندارد و حکام جور بر امور سلطه دارند، برای جلوگیری از ظلم و خودکامگی آنها، بهتر است قانونی وضع شده و «عقلای امت» مجلسی تأسیس نموده و در اداره مملکت مشورت کنند (فیرحی، ۱۳۸۴: ۲۱۰؛ کفایی، ۱۳۵۹: ۱۵۹). علمای مزبور در دوره غیبت به امکان تفکیک احکام شرع از عرف نظر داشته و بر ضرورت استقرار مشروطه تأکید می‌نمودند (کسروی، ۱۳۲۰: ۱۱، اصغری، ۱۳۹۲: ۱۱۳ - ۱۱۲). مشروطه در نظر آنها با نظر به تفکیک شرع از عرف، چنین تعریف می‌شد: «مشروطیت هر مملکت عبارت از محدود و مشروطه بودن ادارات سلطنتی

و دوایر دولتی است، به عدم تخطی از حدود و قوانین موضوعه؛ بر طبق مذاهب رسمی آن مملکت» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۵۱). آخوند خراسانی در پاسخ به نامه مردم همدان، سلطنتی را مشروع می‌داند که شخص معصوم عهده‌دار رتق و فتق امور مسلمین باشد و شخص حاکم، «منصوب و منصوص و مامور من‌الله» باشد و از میان سلطنت‌های غیرمشروعه هم، «غیر مشروعه‌عادل» را بر «غیر مشروعه‌جابر» مقدم می‌داند و به دلیل تقلیل ظلم و دفع افسد به فاسد، مشروطیت را بر استبداد ترجیح می‌دهد (فرجی، ۱۳۹۱: ۲۵۶-۲۵۵؛ اصغری، ۱۳۹۲: ۱۱۲). خراسانی همچنین معتقد بود که اداره جامعه و مسائل عرفی در زمان غیبت به «عقلای مسلمین و ثقات مومنین» (اصغری: ۱۱۳-۱۱۲؛ کدیور، ۱۳۸۴: ۲۴۴) و به تعبیر دیگر به «جمهور مسلمین» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۱۰) واگذار است. همانگونه که ملاحظه می‌شود، علمای ثلاث در تدارک مشروعیت دینی مشروطه نبودند بلکه مشروطه را همانند همه حکومت‌های دوره غیبت، نامشروع می‌دانستند و تنها از این جهت که متصور بودند با استقرار نظام مشروطه، امکان دفع افسد به فاسد و تقلیل ظلم وجود دارد، بر استقرار مشروطه تأکید می‌نمودند.

* جبل‌المتین و ترویج رویکرد عرفی به مشروطیت بر مبنای آرای فقهی علمای ثلاث نجف

در توضیح چگونگی بروز مخالفت علما با مشروطیت، لازم بذکر است که شیخ فضل‌الله نوری از علمای طراز اول تهران و مهمترین روحانی مخالف مشروطه، از ابتدای مطرح شدن اندیشه مشروطیت رویکردی توأم با تردید و مخالفت با این اندیشه داشت. شیخ در شب ۱۷ رمضان ۱۳۲۳ که در خصوص فلک شدن چند تن از علمای کرمان، با ناظم الاسلام و مجد الاسلام به صحبت نشسته بود (کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۵۷-۲۵۴)، در نامه‌ای که در ذی‌قعدة ۱۳۲۴ق به آقا نجفی ارسال کرده بود، دریافت مالیات در دولت مشروطه را موجب اضمحلال دین و انحطاط اسلام عنوان کرده (کسروی، ۱۳۲۰: ۱۳-۱۲) و در اثنای نشست‌های مهاجرت کبری در قم و همچنین بعد از صدور فرمان مشروطیت، در مواضع و مناسبت‌های مختلف مخالفت خود با مشروطیت و مفاهیم مرتبط با آن را اعلام نموده بود (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۱۹-۱۵؛ ترکمان، ۱۳۶۳: ۱۷۴). لکن نوری در ایام تدوین متمم قانون اساسی مخالفت خود را با مشروطیت به صراحت اعلام کرد و بر خلاف سیدین

طباطبائی و بهبهانی از امضای متمم قانون اساسی امتناع نموده و از مجلس کناره گرفت و در ادامه خواستار اضافه کردن اصلی بر متمم قانون اساسی به منظور نظارت مجتهدین بر مصوبات مجلس شد. با این موضع‌گیری شیخ فضل‌الله، بین مردم در حمایت از سیدین و شیخ نوری دو دستگی ایجاد شد. در نهایت، مخالفان شیخ نوری در روز هشتم جمادی الاولی ۱۳۲۵ در مدرسه صدر اجتماع کرده و خواستار تبعید شیخ فضل‌الله از تهران شدند (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۳۱۶-۳۱۵؛ کسروی، ۱۳۲۰: ۱۲۸-۱۲۴؛ ترکمان، ۱۳۶۳: ۱۸۴-۱۸۱). با حوادث رخ داده، شیخ و طرفدارانش شب دهم جمادی الاول ۱۳۲۵ تصمیم می‌گیرند که تهران را ترک نموده و با تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم به مبارزه و نشر افکار و خواسته‌های خود بپردازند (کسروی، ۱۳۲۰: ۱۲۹-۱۲۸؛ ترکمان: ۱۹۲-۱۹۱؛ زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۲۲). در این میان، مقالات حبل‌المتین در هماهنگی با تحولات صورت گرفته، از تبیین اندیشه مشروطیت با رویکردی عرفی که بر اساس مبانی شرعی شکل نگرفته بود، به تبیینی که نشانگر رعایت ملاحظات شرعی است سوق یافته و در نهایت در اوج مبارزات مشروطه‌خواهی و مشروعه‌طلبی، به مرحله‌ای می‌رسد که ایده تفکیک شرع از عرف را بر مبنای ادله‌های فقهی علمای نجف سامان می‌دهد.

از اولین مقالات حبل‌المتین در واکنش به مخالفت‌های صورت گرفته پس از تحصن شیخ فضل‌الله و یارانش در حرم عبدالظیم حسنی (دهم جمادی الاول ۱۳۲۵ به بعد)، سرمقاله‌ای است که در تاریخ ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۵ خطاب به «وکلائی ملی» منتشر نموده است. حبل‌المتین در این مقاله به چگونگی تدوین قانون اساسی و استقرار مشروطه اشاره کرده و با تفکیک شرع از عرف در باب الگوگیری از قوانین و پارلمان انگلیس اینگونه توضیح می‌دهد: «سلطنت ایران مشروطیت کامله است و در اروپا جز انگلستان مشروطیت کامله به نظر نمی‌رسد، اساس امر را باید بر پارلمان انگلیس گذارید، اشتباه نفرماید قانون اساسی غیر از اصول پارلمنتری است. مواد قانون اساسی ما باید بر وفق شرع و مناسب بحال ملک و ملت باشد، اولاً از روی شرع ما را هیچ اشکالی در مواد قانون اساسی پیش نخواهد آمد، و اگر چند مسئله جزئی مناسب زمان باشد و در شریعت مطهره تصریح باو نشده باشد، مجتهدین عظام می‌توانند حکمی بر آن صادر فرمایند. ... خیر کثیر را می‌توان به ارتکاب شرقلیل حاصل نمود، و علاج افسد را بفساد حکم می‌توان داد، این خدمت وظیفه علمای اعلام است که باید بملت اسلام بفرمایند. اصول

پارلمنتری ابدأً مربوط بقانون اساسی نیست، درین اصول ما باید طبق النعل بالنعل پیروی از قواعد پارلمان پانصد سائله انگلیس نمائیم ... بالجمله باید دانست که همان اختیاراتی را که اعضای شورای انگلستان بحیثیت وکالت ملت دارند، شما بزرگواران دارا می‌باشید. چرا از مسلک آنها سرمشق حاصل نمی‌نمائید؟ در حفظ حقوق سیاسی و تجارتي بهترین اصول را اعضای شورای انگلستان اختیار نموده‌اند...» (حبل‌المتین، ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۴۴: ۳-۲). پارلمان و قانون اساسی از نهادهای اساسی نظام مشروطه بودند که حبل‌المتین در فقره مزبور در خصوص چگونگی استقرار و تدوین آنها دیدگاه و راهکار خود را ارائه می‌کند. شمولیت قانون اساسی را بیشتر مربوط به حوزه شرع دانسته و تأکید می‌کند که قانون اساسی باید با شرع موافقت داشته باشد. در جایی که ابراز می‌دارد، قانون اساسی باید مناسب با حال «ملک و ملت» باشد، راهی برای قوانین مربوط به عرف و اداره جامعه باقی می‌گذارد. نظام پارلمانی را خارج از حیطه شرع و مربوط به عرف و اداره جامعه دانسته و الگوی پارلمان انگلیس را بهترین الگو در این زمینه ارزیابی کرده و بکارگیری الگوی پارلمان آن کشور را پیشنهاد می‌کند.

*** تأکید بر ضرورت تفکیک شرع از عرف در دوره استبداد صغیر بر مبنای آرای
فقهی علمای ثلاث نجف**

حبل‌المتین در دوره استبداد صغیر که اوج مبارزات سیاسی و قلمی مشروطه‌خواهان و مشروعه‌طلبان بود، با دیدگاه علمای نجف همراهی کرده و با انعکاس و تشریح نظرات آنها به حمایت از مشروطه می‌پردازد و با استناد به نظر آن علما صرفاً حکومتی را مشروع می‌داند که منصوص از طرف امام معصوم باشد و اعلام می‌دارد که در عصر غیبت امام زمان، امر حکومت به مردم واگذار شده است و در این باره می‌نویسد: «سلطنت مشروع منحصر بسلطنت منصوص است و بس، و در غیبت کبرای امام علیه السلام بر حسب کلیات و اصول عقائد مذهب جعفری، سلطنت مشروع منحصر بجمهوریتی است که از اجماع امت حاصل تواند گردید، غیر از این دو طریق لفظ مشروع را بروی سلطنت جابره غاصبه نهادن مخالف صریح با دیانت حقه اسلامی نمودن است» (حبل‌المتین، ۷ شوال ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۱۶: ۲). در تاریخ ۱۴ شوال ۱۳۲۶، نظر علمای ثلاث نجف در خصوص حکومت محمد علی شاه را درج می‌کند. این علما در پیام خود ابراز داشته‌اند که هدف

آنها «حفظ بیضه اسلام و استقلال مملکت و بقاء سلطنت شیعه و رفع ظلم و ترفیه حال عباد» است و لذا بر اساس اقداماتی که محمد علی شاه در مخالفت با مشروطیت مرتکب شده است؛ حکومت او را نامشروع دانسته و جهت جلوگیری از تحمیل خسارت بر مملکت، از برقراری سلطنت مشروطه حمایت می‌کنند. علمای یاد شده در تبیین علت طرفداری از مشروطیت، اعلام می‌کنند: «حکومت مسلمین در عصر غیبت حضره صاحب الزمان عجل الله فرجه با جمهور مسلمین است» (حبل المتین، ۱۴ شوال ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۱۷: ۲۲-۲۱). حبل المتین پس از درج نظر علمای ثلاث نجف، در ادامه با استناد به آرای آیات عظام نجف می‌افزاید: «سلطنت مشروع در غیبت کبرای امام عجل الله فرجه بنا بر مذهب شیعه، جمهوری است که انتخاب رئیس از طرف جمهور ملت که حکم اجماع بر او صادق آید بشود و این اولین پایه می‌باشد از سلطنت مشروعه در مذهب شیعه. همینکه این پایه از روی صحت گذارده نشود، هیچ حکمی از احکام آن سلطنت را مشروع نمی‌توان گفت...» (حبل المتین، ۱۴ شوال ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۱۷: ۲۳). نشریه مزبور بر اساس این استنادها، ضمن غصبی دانستن تمام حکومت‌ها در عصر غیبت امام زمان (ع)، مروج این عقیده است که امر حکومت در دوره غیبت امام زمان (ع) به جمهور مردم واگذار است. همین استناد، نقطه اتکای فقهی حبل المتین برای مطرح ساختن ایده تفکیک شرع از عرف می‌شود. نشریه مزبور همسو با علمای نجف چنین تبیین می‌کرد که امر حکومت در عصر غیبت امام زمان (ع) به ملت واگذار شده است و علی‌رغم اینکه حکومت مشروطه نیز به مانند حکومت استبدادی قاجاریه و تمام حکومت‌های پیش از آن، غصبی و نامشروع است؛ لکن چون در نظام مشروطه امکان حفظ بیضه اسلام و حدود و ثغور مملکت اسلامی و سلطنت اسلام سهل‌تر است و در این نوع حکومت، ظلم کمتری بروز می‌یابد، باید از استقرار مشروطه حمایت کرد.

روزنامه یاد شده در شرایطی که مجلس اول مشروطه به توپ بسته شده بود، در مقاله‌ای با عنوان «مشروطه و مشروعه»، با انکار امکان مشروعه گشتن مشروطه با رویکرد عرفی در تعریف نظام مشروطه می‌نویسد: مشروطه نظامی است که در آن اختیارات سلطنت در چارچوب قانون محدود شده و آحاد ملت در برابر قانون مساوی هستند. مردم در نظام مشروطه در اداره کشور نمایندگانی در مجلس دارند. هدف از مشروطه، تقلیل ظلم در جامعه است (حبل المتین، ۲ رمضان ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۱۱: ۶) و در ادامه در باب

مشروع شدن مشروطه، با تفکیک سیاست از دیانت می‌نویسد: «مشروطه را بهیچ وجه مداخلیتی در امور شرعیه نیست بلکه مشروطه شروطی است از برای حکومت عرفیه که بواسطه آن شروط، ظلم و تعدی طوعاً او کره‌هاً کمتر از زمان استقلال و استبداد می‌شود» (حبل‌المتین، ۲ رمضان ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۱۱: ۶). در سرمقاله ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ با عنوان «مشروع بازی برای چیست؟»، ویژگی مهم حکومت مستبده را با شخصی و خودکامه دانستن این نوع از حکومت چنین عنوان می‌کند: «شخص پادشاه بر جمیع مواد قانونی و وزارت و کلیه ادارات مملکت کائناً من کان حاکم علی الاطلاق و در امور داخله کیف ما شاء می‌تواند حرکت و تصرف نماید» (حبل‌المتین، ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۲۱: ۱) و در تشریح سلطنت مشروطه با رویکرد عرفی و ترجیح عقلانی مشروطیت بر استبداد در مقام مقایسه می‌نویسد: «اما مشروطه یا سلطنت نوعی عبارت است از تعیین حدود ملت و شخص پادشاه بر حسب یک قرارنامه که قانون اساسی باشد، که در آن حقوق ارتباطیه بین ملت و دولت از شاه تا دهقان معین میگردد» (حبل‌المتین، ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۲۱: ۱). در فقرات مزبور به هیچ وجه اشاره و نشانه‌ای از دخالت مشروطه در شرع ملاحظه نمی‌شود. چرا که اساساً مشروطه از سوی مشروطه‌خواهان و نشریه حبل‌المتین، نظامی جایگزین برای نظام استبدادی و خودکامه بود که در آن حقوق و تکالیف دولت و ملت مشخص شده و اعمال خودسرانه قدرت ممنوع می‌شد.

حبل‌المتین در تاریخ ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۶، در مقاله‌ای با عنوان «مشروطه برای چه و قید مشروع برای چیست؟»، با تأسی از نظرات علمای ثلاث نجف به تبیین ضرورت استقرار مشروطه و نیز عدم امکان مشروع شدن حکومت‌ها از جمله نظام مشروطه پرداخته است. این مقاله با طرح نظریه حکومت جور، به باطل بودن ادعای مشروطه مشروع می‌پردازد و بر این نکته تأکید می‌کند که منظور از مشروطه، «محدود بودن حدود دولت و سلطنت و منع کردن او از فعال مایشاء بودنست» و نیز باید توجه داشت که در عصر غیبت امام زمان، حکومت پادشاهی مشروع نیست؛ چرا که «حاکم مسلمان باید شخص عالم عادل باشد» (حبل‌المتین، ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۲۲: ۵)؛ در ادامه می‌افزاید: «احکام سیاسیات و پولتیکی دولت غالباً حرام و خلاف شرع است، و اگر بعضی از آنها مطابق شرع هم باشد چون متصدی آن لایق این منصب نیست عملش حرام است اگر چه مطابق شرع انور باشد» (حبل‌المتین، ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۲۲: ۵). نویسنده مقاله مزبور از مشروطه‌طلبان

سوالی به شکل استفهام انکاری می‌پرسد مبنی بر اینکه آیا با مشروعه شدن مشروطه، حکومت را به اهل آن (امام معصوم - شخص عالم عادل) که مورد تأیید شرع باشد؛ سپرده خواهد شد؟! و آیا پس از مشروعه شدن مشروطه، کلیه تصمیمات و اقدامات دولت مطابق با احکام شرع خواهد شد؟! در ادامه می‌افزاید، اگر مقصودتان این است که قانونگذاری بر اساس اصول شریعت انجام گیرد و یا اینکه همانند مشروطه‌های دولت‌های خارجی، آزادی مذهب داده نشود؛ مجلس متوجه این موضوع هست و بر اساس اصل دوم متمم قانون اساسی، ذکر شده است که باید پنج نفر از علما بر قوانین نظارت کنند و نیز حفظ اساس شریعت از اولین شروط مشروطه عنوان شده است (حبل‌المتین، ۱۹ ذیقعدہ ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۲۲: ۶). سپس این توضیح را اضافه می‌کند: «مشروطه صفت سلطنتی است که فعلاً در دست داریم، هر وقت این سلطنت مشروعه شد، بالتبع مشروطه‌اش نیز مشروعه خواهد شد، و الا مادام که اساس سلطنت بر غضب و عدوان و احکام غیر ما انزل الله است هیچوقت مشروعه نخواهد شد؛ از زمان شهادت امام حسین (ع) باب سلطنت مشروعه بسته شده است و اکنون علما ناچاراً با این سلطنت موافقت دارند و در این دوره می‌خواهند اصلاحی در «سلطنت غیر مشروعه مستبده» تحقق پذیرد و این حکومت را محدود و مقید سازند و مانع از شخص‌گرایی پادشاه شوند و بر همین اساس است که شیخ عبدالله مازندرانی می‌گوید: «ای گاو مجسم، مشروطه مشروعه نمی‌شود» (حبل‌المتین، ۱۹ ذیقعدہ ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۲۲: ۶). به این ترتیب حبل‌المتین بر اساس تبیینات فقهی مراجع ثلاث نجف، تعبیر «مشروطه مشروعه» را که مخالفان مشروطه عنوان می‌کردند، بی‌اعتبار دانسته و بر این باور است که نمی‌توان حکومتی را که بنیان آن در نظر و عمل غیر شرعی است، شرعی ساخت. اما حکومت عرفی مبتنی بر غضب و عدوان را می‌توان مهار و در تحت قانون اساسی مقید نمود.

حبل‌المتین با ساماندهی ایده جدایی شرع از عرف بر اساس نظرات فقهی علمای نجف مبنی بر واگذاری امر حکومت به جمهور مردم در دوران غیبت امام زمان، بین اندیشه عرفی مشروطیت و مبانی شرع پیوند می‌زند و بر ضرورت استقرار نظام مشروطه تأکید می‌کند و راهکار تدوین قانون اساسی را در حضور موثر و متعادل شرع و عرف در کنار هم، از راه جدایی شرع از عرف می‌بیند. این راهکار، قدمی رو به جلو و مهم در پیوند اندیشه دولت مدرن و شرع بود. لکن در تفکیک شرع از عرف، ظرافت‌ها و

پیچیدگی‌هایی وجود داشت. به این معنی که شرع در تدبیر امور دنیوی و معاش زندگانی حکم و قانون داشت و به صرف اعلام جدایی شرع از عرف و تقسیم‌بندی قوانین به دو دسته شرعی و عرفی، مسئله تفکیک شرع از عرف قابل حل نبود. به نظر می‌آید حبل‌المتین در قبال این پیچیدگی که شرع در خصوص عرف و امور دنیوی هم حکم و قانون دارد، با استناد به آرای علمای نجف اینگونه پاسخ می‌دهد: هر مسئله‌ای که شرع حکم آن را بیان کرده، لازم الاجراست؛ لکن امر حکومت و نحوه اداره جامعه در عصر غیبت با جمهور مردم است. می‌توان گفت که با تکیه بر نظریه مراجع نجف در خصوص واگذاری امر حکومت به جمهور مردم در عصر غیبت امام زمان، علی‌رغم وجود مشکلات و پیچیدگی‌ها، می‌شد در خصوص ایده تفکیک شرع از عرف، مطالعه و نظریه‌پردازی کرد و در نهایت به راه و روشی روشن و مسحکم‌تری دست یافت.

یکی از تفاوت‌های ایران با اروپا در بحث مشروطیت، عدم توجه روشنفکران ایران به مبانی نظری سنت و اندیشه قدیم بود. به این معنی که بر عکس تجربه اروپا که مفاهیم اندیشه مشروطه‌خواهی در آنجا بر اساس مفاهیم و مبانی الهیات مسیحی استوار شد، روشنفکران ایران نتوانستند اندیشه مشروطیت را بر اساس نظریه‌ای مبتنی بر مبانی شرع اسلام تبیین نمایند و به یکسان‌سازی مفاهیم جدید با اندیشه قدیم بسنده کردند. علی‌رغم اینکه حبل‌المتین در مواردی اندیشه جدید مشروطیت را با مفاهیم و اندیشه اسلامی خلط می‌کند لکن از معدود محافل تجددخواهی است که در دوره‌ای که مشروطیت از سوی مخالفان غیرشرعی تلقی می‌شود، دریافت خود از اندیشه مشروطیت را با استناد به آرای فقهی مراجع نجف در شکل نظریه‌ای مبتنی بر مبانی شرع اسلام تبیین می‌کند. غرب و مشخصاً انگلستان طی چندین قرن و با پشت سر نهادن تحولات و نظریه‌پردازی‌های مختلفی از جمله تکوین اندیشه مشروطیت بر اساس مبانی نظری ناشی از الهیات، عاقبت طی قرون ۱۸ تا ۲۰ م به دولت مدرنی دست یافت که در آن شرع از عرف تفکیک شده بود. اسلام بر خلاف مسیحیت شریعت کاملی بود که برای امور اخروی و دنیوی حکم و قانون داشت و بر همین اساس، بحث تفکیک شرع از عرف در اسلام و ایران همانند مسیحیت و بر اساس تجربه اروپا امکان تحقق نداشت. لکن تمسک حبل‌المتین به آرای فقهی علمای نجف (در ایام تدوین متمم قانون اساسی) مبنی بر غصبی بودن همه حکومت‌ها در عصر غیبت و واگذاری امر حکومت به جمهور مردم، امکان تفکیک شرع

از عرف را با تکیه بر مبانی شرع فراهم می‌کرد که البته باید جهت حفظ تعادل بین اندیشهٔ مشروطیت و مبانی شرع پرداخته و پخته می‌شد. در این دوره که بر سر مشروعیت مشروطه منازعه در جریان بود، اکثر منورالفکران غایب ماجرا بودند و اگر هم حاضر بودند به دلیل ناتوانی در مباحث شرعی، کاری نمی‌توانستند از پیش ببرند. حبل‌المتین این نقیصه را با همراه شدن با نظرات مراجع ثلاث نجف جبران نمود و اندیشهٔ مشروطیت را در قالب نظریه‌ای مبتنی بر ملاحظات شرعی در رسانه‌ای کثیرالانتشار برای مردم منتشر ساخت.

نتیجه‌گیری

تلاش این مقاله، توضیح چگونگی چرخش حبل‌المتین از رویکرد عرفی به رویکرد عرفی - شرعی در تبیین اندیشهٔ مشروطیت و پاسخ به این پرسش بود که حبل‌المتین ایدهٔ تفکیک شرع از عرف را بعنوان راهکار تدوین قانون اساسی و قانونگذاری بر مبنای چه توجیهات و اهدافی تبیین کرده است. در توضیح پرسش مزبور باید گفت نشریه یاد شده از زمانی که شروع به ترویج اندیشهٔ مشروطیت نمود (دوره نخست)، نظام مشروطهٔ انگلیس را بعنوان راهکاری اساسی برای دفع استبداد و نیل به ترقی ترویج می‌کرد و رویکردی عرفی به سیاست و استقرار مشروطه داشت و از توجه به مبانی شرع و ارائهٔ مشروطیت در چارچوب نظریه‌ای مبتنی بر مبانی شرع غافل بود. به نحوی که تا بروز چالش مشروعیت مشروطه به هیچ عنوان، شرعی بودن یا شرعی کردن مشروطه، موضوع بحث و مسئلهٔ این نشریه نبود. لکن پس از آنکه مشروطه با چالش مشروعیت مواجه شد (دوره دوم) و سنت، عرض اندام نمود؛ این نشریه استدلال علمای ثلاث نجف را برای پرداختن نظریه‌ای که در آن، اندیشهٔ عرفی مشروطیت بر اساس و یا در هماهنگی با مبانی شرع تبیین می‌شد، به خدمت گرفت و بر اساس برهان و یا جواز شرعی علمای مزبور به تبیین و ترویج رویکرد عرفی خود به سیاست پرداخت و از این راه برای مشروعیتی که غیرشرعی تلقی می‌شد، راهکاری شرعی یافت. این راهکار، ایدهٔ تفکیک شرع از عرف در زمان غیبت امام زمان بود. با این توضیح که باید بین نصوص شرعی و قوانین مربوط به ادارهٔ جامعه تفکیک قائل شد و در تدوین قانون اساسی و قانونگذاری برای موضوعاتی که نص شرعی برای آنها وجود دارد، باید بر اساس شرع عمل نمود و در خصوص ادارهٔ جامعه و امر سیاست

که بنا به آرای علمای ثلاث در دوره غیبت امام زمان (ع) به جمهور مردم واگذار شده است، باید بر اساس شورا و مشارکت مردم اقدام شود. حبل‌المتین با تفکیک مزبور سعی می‌کند از طرفی شرع و عرف، حضور مؤثر و متعادل و مسالمت‌آمیزی در کنار هم داشته باشند و از طرف دیگر راهی برای اندیشه مشروطیت باز نماید.

کوشش نظری حبل‌المتین با تمسک به نظرات فقهی علمای ثلاث، در جمع بین اندیشه مشروطیت و شرع، و تبیین نسبت قابل جمع اندیشه دولت مدرن با فقه سیاسی شیعه در این مقطع، ضرورتی اساسی و اقدامی بود که بسیاری از منورالفکران از آن غافل و ناتوان بودند. به نظر می‌رسد این اقدام تنها راه ممکن برای ساماندهی اندیشه مشروطیت بر اساس مبانی نظری شرع اسلام بود که باید دنبال می‌شد.

دوره سوم از رویکرد عرفی حبل‌المتین به سیاست، دوره نخست وزیری رضاخان و دوره پس از سقوط عثمانی و تأسیس جمهوری جدید ترکیه بود که روزنامه مزبور با صراحت، جدایی دین از سیاست و ممنوعیت دخالت روحانیون در سیاست را تبلیغ کرده و از عرفی‌سازی سیاست که بر اساس جواز شرعی در دوره منازعه بر سر مشروعیت مشروطه (دوره دوم)، نظریه‌پردازی کرده بود، عدول کرد و گام به پیش برده در آشتی‌سازی بین اندیشه دولت مدرن و مبانی شرع را گرفتار اندیشه جدایی دیانت از سیاستی نمود که بر اساس و یا در هماهنگی با مبانی شرع سامان نیافته بود.

منابع

الف) فارسی

- آدمیت، فریدون، (۱۳۴۰)، *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*، تهران: سخن.
- اصغری، سید محمد، (۱۳۹۲)، *آخوند خراسانی در جنبش مشروطیت با سیری در ایضاح الخطاء آیت الله شیخ محمد باقر بهاری*، تهران: اطلاعات.
- ترکمان، محمد، (۱۳۶۳)، *مکتوبات، اعلامیه‌ها، ... و چند گزارش پیرامون نقش شیخ فضل‌الله نوری در مشروطیت*، جلد دوم، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حبل‌المتین ، ۲۸ شعبان ۱۳۱۷، س ۷، ش ۹.
- _____ ، ۶ رمضان ۱۳۱۷، س ۷، ش ۱۰.
- _____ ، ۱۲ صفر ۱۳۱۸، س ۷، ش ۲۹.
- _____ ، ۲۱ ربیع الاول ۱۳۱۹، س ۸، ش ۳۷.
- _____ ، ۴ محرم ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۵.
- _____ ، ۲۶ محرم ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۷.
- _____ ، ۳ صفر ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۸.
- _____ ، ۱۰ صفر ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۹.
- _____ ، ۱۲ شوال ۱۳۲۰، س ۱۰، ش ۱۴.
- _____ ، ۲۸ محرم ۱۳۲۱، س ۱۰، ش ۲۶.
- _____ ، ۷ جمادی الثانی ۱۳۲۱، س ۱۰، ش ۴۱.
- _____ ، ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۲، س ۱۱، ش ۴۱.
- _____ ، ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۲، س ۱۲، ش ۱۹.
- _____ ، ۱ ربیع الثانی ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۳۷.
- _____ ، ۳ رجب ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۴.
- _____ ، ۲۶ شعبان ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۱۱.
- _____ ، ۲۳ شوال ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۱۸.
- _____ ، ۲۱ ذی القعدة ۱۳۲۴، س ۱۴، ش ۲۱.
- _____ ، ۱۷ صفر ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۳۲.
- _____ ، ۸ ربیع الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۳۵.
- _____ ، ۵ جمادی الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۴۲.

- _____، ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۴۴.
- _____، ۲۶ جمادی الاول ۱۳۲۵، س ۱۴، ش ۴۵.
- _____، ۲ رمضان ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۱۱.
- _____، ۷ شوال ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۱۶.
- _____، ۱۴ شوال ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۱۷.
- _____، ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۲۱.
- _____، ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۶، س ۱۶، ش ۲۲.
- _____، ۲۴ رجب ۱۳۲۸، س ۱۸، ش ۶.
- _____، ۳ ذیحجه ۱۳۳۱، س ۲۱، ش ۱۸.
- _____، ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۴۲، س ۳۲، ش ۱.
- _____، ۲۵ ذیحجه ۱۳۴۲، س ۳۲، ش ۶.
- _____، ۱۳ ربیع الاول ۱۳۴۳، س ۳۲، ش ۱۵.
- _____، ۲۲ رمضان ۱۳۴۳، س ۳۳، ش ۱۱.
- _____، ۱۳ ربیع الاول ۱۳۴۴، س ۳۳، ش ۳۲.

حقدار، علی اصغر، (۱۳۸۳)، *مجلس اول و نهادهای مشروطیت: صورت مذاکرات، مصوبات اسناد، خاطرات و تاریخ‌نگاری دوره اول مجلس شورای ملی*، تهران: مهرنامک.

خلخال، عماد العلماء، (۱۳۷۴)، *بیان معنی سلطنت مشروطه و فوائدها، ضمیمه در غلامحسین زرگری‌نژاد، رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)*، تهران: کویر.

زرگری نژاد، غلامحسین، (۱۳۷۴)، *رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)*، تهران: کویر.

شریف کاشانی، محمد مهدی، (۱۳۶۲)، *واقعات اتفاقیه در روزگار، (ج ۱)*، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.

طباطبائی، جواد، (۱۳۸۶)، *تأملی درباره ایران، ج ۲: نظریه حکومت قانون در ایران، تبریز: ستوده.*

طباطبائی، جواد، (۱۳۹۰)، *جدال قدیم و جدید: تاریخ اندیشه سیاسی جدید اروپا از نوزایش تا انقلاب فرانسه*، تهران: نشر ثالث.

فرجی، مهدی، (۱۳۹۶)، «موضع فکری و عملکرد سیاسی روزنامه *حبل‌المتین* کلکته در منازعه مشروطه‌خواهی و مشروعه‌طلبی»، *مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی*

- مشروطیت: رویکردها و جریان‌های فکری - سیاسی در مشروطیت ایران. تبریز: دانشگاه تبریز.
- فیرحی، داود، (۱۳۹۱)، فقه و سیاست در ایران معاصر: فقه سیاسی و فقه مشروطه، تهران: نشر نی.
- فیرحی، داود، (۱۳۹۳)، دین و دولت در عصر مدرن: دولت اسلامی و تولیدات فکر سیاسی، تهران: رخ داد نو.
- فیرحی، داود، (۱۳۸۴)، «مبانی فقهی مشروطه‌خواهی از دیدگاه آخوند خراسانی»، مجموعه مقالات همایش «بررسی مبانی فکری و اجتماعی مشروطیت ایران بزرگداشت آیت الله محمد کاظم خراسانی»، تهران.
- قنواتی، سهیلا، (۱۳۸۸)، روزنامه جبل‌المتین و اندیشه مشروطه خواهی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور: تهران.
- کاشانی، ملا عبدالرسول، (۱۳۷۴)، انصافی، ضمیمه در غلامحسین زرگری‌نژاد، رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)، تهران: کویر.
- کدیور، محسن، (۱۳۸۴)، «اندیشه سیاسی آخوند خراسانی»، مجموعه مقالات همایش «بررسی مبانی فکری و اجتماعی مشروطیت ایران بزرگداشت آیت الله محمد کاظم خراسانی»، تهران.
- کرمانی، ناظم الاسلام، (۱۳۹۱)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیر کبیر.
- کسروی، احمد، (۱۳۲۰)، تاریخ مشروطه ایران، بخش دوم، تهران: بی نا.
- کفایی، عبدالحسین مجید، (۱۳۵۹)، مرگی در نور: زندگانی آخوند خراسانی صاحب کفایه، تهران: زوار.
- گروه پژوهشگر، (۱۳۸۸)، مشروطه شرعی، مشروعه شرعی: بازخوانی نظریات میرزای نائینی و شیخ فضل الله نوری، تهران: طرح فردا.
- محبوب، حسین، (۱۳۹۴)، تاریخ تحلیلی احزاب سیاسی ایران، یزد: اندیشمندان یزد.
- محلای غروی، شیخ اسماعیل، (۱۳۷۴)، اللالی المربوطه فی وجوب المشروطه، ضمیمه در غلامحسین زرگری‌نژاد، رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)، تهران: کویر.
- محیط مافی، هاشم، (۱۳۶۳)، مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی و جواد جان فدا، تهران: انتشارات علمی.

منصور بخت، قباد و مهدی فرجی، (۱۳۹۴)، «مفهوم و ارکان مشروطیت در روزنامه حبل‌المتین کلکته»، دو فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی تاریخی، پاییز و زمستان، دوره ۷، ش ۳.

میرزا یوسف خان مستشارالدوله، (۱۳۶۳)، یک کلمه، به کوشش صادق سجادی، ضمیمه رسائل قاجاری: رؤیای صادقه- لباس التقوی، به کوشش صادق سجادی و هما رضوانی. تهران: نشر تاریخ ایران.

نجفی اصفهانی، حاج آقا نور الله، (۱۳۷۴)، مکالمات حاجی مقیم و مسافر، ضمیمه در غلامحسین زرگری‌نژاد، رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطیت)، تهران: کویر.

ب) انگلیسی

- Bellemy, Richard, (2007), *Political Constitutionalism: A Republican Defense of the Constitutionality of Democracy*, New York: Cambridge University Press.
- Loughlin, Martin (January 2015), "The Constitutional Imagination", *The Modern Law Review*, Vol. 78, No. 1.
- Murkens, Jo Eric Khushal, (2009), "The Quest for Constitutionalism in UK Public Law Discourse", *Oxford Journal of Legal Studies*, Vol. 29, No. 3.
- Adamiat, F. (1961). *Fekr-e azadi va moghaddameh-ye nehzat-e Mashroutiat [The idea of freedom and the starting point of the Constitutional Revolution]*. Tehran: Sokhan.
- Asghari, M. (2013). *Akhound-e Khorasani dar jonbesh-e Mashroutiat ba seyri dar Izahalkhata-ye Ayatollah Sheikh Mohammad Bagher Bahari. [Akhund Khorasani in the Constitutional movement with a glimpse in Izah al-Khata by Ayatollah Sheikh Mohammad Bagher Bahari]* Tehran: Ettelaat.
- Torkaman, M. (1984). *Maktoubat, elamieh-ha,... va chand gozash piramoun-e naghsh-e Sheikh Fazlollah-e Nouri dar Mashroutiat [Letters, announcements, ... and some reports about the role of Sheikh Fazlollah Noori in the Constitution]* (Vol. 2). Tehran: Rasa.

- (1900, January 1). *Habl al-Matin*, 7(9).
- (1900, January 8). *Habl al-Matin*, 7(10).
- (1900, June 11). *Habl al-Matin*, 7(29).
- (1901, July 8). *Habl al-Matin*, 8(37).
- (1902, April 13). *Habl al-Matin*, 9(25).
- (1902, May 5). *Habl al-Matin*, 9(27).
- (1902, May 12). *Habl al-Matin*, 9(28).
- (1902, May 19). *Habl al-Matin*, 9(29).
- (1903, January 12). *Habl al-Matin*, 10(14).
- (1903, April 26). *Habl al-Matin*, 10(26).
- (1903, August 31). *Habl al-Matin*, 10(41).
- (1904, July 24). *Habl al-Matin*, 11(41).
- (1905, January 30). *Habl al-Matin*, 12(19).

- (1906, May 25). *Habl al-Matin*, 13(37).
(1906, August 23). *Habl al-Matin*, 14(4).
(1906, October 15). *Habl al-Matin*, 14(11).
(1906, December 10). *Habl al-Matin*, 14(18).
(1907, January 6). *Habl al-Matin*, 14(21).
(1907, April 1). *Habl al-Matin*, 14(32).
(1907, April 21). *Habl al-Matin*, 14(35).
(1907, June 16). *Habl al-Matin*, 14(42).
(1907, June 30). *Habl al-Matin*, 14(44).
(1907, July 7). *Habl al-Matin*, 14(45).
(1908, September 28). *Habl al-Matin*, 16(11).
(1908, November 2). *Habl al-Matin*, 16(16).
(1908, November 9). *Habl al-Matin*, 16(17).
(1908, December 6). *Habl al-Matin*, 16(21).
(1908, December 13). *Habl al-Matin*, 16(22).
(1910, August 1). *Habl al-Matin*, 18(6).
(1913, November 3). *Habl al-Matin*, 21(18).
(1924, June 22). *Habl al-Matin*, 32(1).
(1924, July 28). *Habl al-Matin*, 32(6).
(1924, October 12). *Habl al-Matin*, 32(15).
(1925, April 16). *Habl al-Matin*, 33(11).
(1925, October 1). *Habl al-Matin*, 33(32).

- Faraji, M. (2017). *Moze'e fekri va amalkard-e siasi-ye rouznameh-ye Habl al-Matin Kalkateh dar monaze'e-ye Mashroutehkhahi va Mashroutehtalabi*. [The intellectual position and political performance of *Habl al-Matin* newspaper in Calcutta in the conflict of constitutionalism and legitimacy], *Proceedings of the Fourth National Conference on Constitutionalism: Approaches and political-intellectual mainstreams in Iranian Constitutionalism*. Tabriz: Entesharat-e Daneshgah-e Tabriz.
- Feirahi, D. (2005). *Mabani-ye Mashroutehkhahi az didgah-e Akhund Khorasani* [Jurisprudential principles of Constitutionalism from the perspective of Akhund Khorasani]. *Proceedings of the conference "Studying the intellectual and social foundations of Iranian Constitutionalism in honor of Ayatollah Mohammad Kazem Khorasani"*. Tehran.
- Feirahi, D. (2012). *Feqh va siyasat dar Iran-e mo'aser: Feqh-e siasi va feqh-e Mashrouteh* [Jurisprudence and politics in contemporary Iran: Political and Constitutional jurisprudence]. Tehran: Nashr-e Ney.
- Feirahi, D. (2014). *Din va dowlat dat asr-e modern: Dowlat-e Eslami va tolidat-e fekr-e siasi* [Religion and government in modern era: Islamic government and political-intellectual productions]. Tehran: Rokhdad-e No.
- Ghanavati, S. (2009). *Rouznameh-ye Habl al-Matin va andisheh-ye Mashroutehkhahi* [Habl al-Matin newspaper and the idea of Constitutionalism]. Payam-e Noor University, Tehran.
- Haghdar, A. (2004). *Majles-e avval va nahadha-ye mashroutiat: sourat-e mozakerat, mosavvat-e asnad, khaterat va tarikhnegari-ye doreh-ye avval-e majles-e shora-ye melli* [The first Assembly and Constitutional Institutions: The form of negotiations, approvals of documents, memoirs and historiography of the first term of the National Assembly]. Tehran: Mehrnamag.

- Kadivar, M. (2005). Andisheh-ye siasi-ye Akhund Khorasani [The political thought of Akhund Khorasani]. *Proceedings of the conference "Studying the intellectual and social foundations of Iranian Constitutionalism in honor of Ayatollah Mohammad Kazem Khorasani"*. Tehran.
- Kafayi, A. (1980). *Margi dar noor: Zendegani-ye Akhund Khorasani (Saheb Kafayeh) [Death in the light: The life of Akhund Khorasani (Saheb Kifaya)*. Tehran: Zavar.
- Kashani, M. (1995). Resale Ensafyeh [The treatise of fairness]. In G. Zargarinezhad, *Rasa'el-e Mashroutiat: 18 resaleh va layehesh darbarezeh Mashroutiat [Constitutional treatises: 18 treatises and bills on Constitutionalism]*. Tehran: Kavir.
- Kasravi, A. (1940). *Tarikh-e Mashrouteh-ye Iran [History of the Iranian Constitutional Revolution]*. Tehran: Bina.
- Kermani, N. (2012). *Tarikh-e bidari-ye Iranian [The history of Iran awakening]*. Tehran: Amirkabir.
- Khalkhali, E. (1995). Bayan-e ma'ni-ye saltanat-e Mashrouteh va fava'edha [Expressing the meaning of Constitutional monarchy and its benefits]. In G. Zargarinezhad, *Rasa'el-e Mashroutiat: 18 resaleh va layehesh darbarezeh Mashroutiat [Constitutional treatises: 18 treatises and bills on Constitutionalism]*. Tehran: Kavir.
- Mahallati Gharavi, S. (1995). Al-La'ali al-Marbootah fil vojoubel Mashroutah. In G. Zargarinezhad, *Rasa'el-e Mashroutiat: 18 resaleh va layehesh darbarezeh Mashroutiat [Constitutional treatises: 18 treatises and bills on Constitutionalism]*. Tehran: Kavir.
- Mahboub, H. (2015). *Tarikh-e tahlili-ye ahzab-e siasi-ye Iran [Analytical history of Iranian political parties]*. Yazd: Andishmandan-e Yazd.
- Mansour Bakht, G., & Faraji, M. (2015). Mafhoum va arkan-e Mashroutiat dar rouznameh-ye Habl al-Matin-e Kalkateh [The concept and principles of Constitutionalism in Habl al-matin newspaper in Calcutta]. *Journal of Historical Sociology*, 7(3), 133-164.
- Mohit Mafi, H. (1984). *Moghaddamat-e Mashroutiat [Prerequisites for Constitutionalism]*. (M. Tafreshi, & J. Janfada, Eds.) Tehran: Elmi.
- Mostashar al-Dowleh, M. (1984). Yek Kalameh [One word]. In J. Vaez Esfahani, S. Sajjadi, & H. Rezvani (Eds.), *Rasa'el-e Qajari: Roya-ye sadegheh-lebas al-Taghva [Qajar treatises: Honest dream-the clothes of piety]*. Tehran: Tarikh-e Iran.
- Najafi Esfahani, N. (1995). Resaleh-ye mokalemat-e moghim va mosafar [The dialog between the settler and the traveler]. In G. Zargarinezhad, *Rasa'el-e Mashroutiat (18 resaleh va layehesh darbarezeh-ye Mashroutiat) [Constitutional Treatises (18 Treatises and Bills on Constitutionalism)]*. Tehran: Kavir.
- Gorouh-e Pazhouheshgaran. (2009). *Mashrouteh-ye Shar'i, Mashrouteh-ye sharti: Bazkhani-ye nazariat-e Mirza-ye Naini va Sheikh Fazlollah Noori [Constitutional condition, conditional legitimacy: Re-reading the theories of Mirza Naini and Sheikh Fazlollah Noori]*. Tehran: Tarh-e Farda.
- Sharif Kashani, M. (1983). *Vagheate ettefaghiye dar roozegar [The happened incidents in the times]* (Vol. 1). (M. Etehadie, & S. Sadvandiyan, Eds.) Tehran: Tarikh-e Iran.
- Tabataba'i, J. (2007). *Ta'ammoli darbarezeh-ye Iran: Nazarieh-ye hokumat-e qanoun dar Iran [A reflection on the history of Iran: The Rule of Law theory in Iran]* (Vol. 2). Tabriz: Soroudeh.

- Tabataba'i, J. (2011). *Jedal-e ghadim va jadid: Tarikh-e andisheh-ye siasi-ye jadid-e Oroupa az nozayesh ta enghelab-e France [The old and new controversy: The history of new European political thought from Renaissance to the French Revolution]*. Tehran: Sales.
- Zargarinezhad , G. (1995). *Rasa'el-e Mashroutiat (18 resaleh va layeheh darbareh-ye Mashroutiat) [Constitutional Treatises (18 Treatises and Bills on Constitutionalism)]*. Tehran: Kavir.

